

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عن عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

﴿لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَ لَوْ بَسَفَكَ الْمُهَجِ وَ خَوْضِ اللَّجَجِ﴾

الكافي، جلد ۱، صفحه ۳۵

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

نکره یا معرفه بودن در مضاف‌إلیه‌ای

شناسنامه مطلب	
e-n-1	کد مطلب
نحو/احکام اضافه	موضوع
بلاغت/اغراض تنکیر، اغراض تعریف	موضوع مرتبط
علمی/ادبیات عربی/نحو/تحقیقی پژوهشی/البهجة المرضیة/تبیین	رده
اضافه، دائم‌الاضافه، حال، نعت، معرفه، نکره، اغراض تنکیر، اغراض تعریف	برچسب
-	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نمو

nomov.ir

یکی از اسماء واجب الاضافه کلمه «أَيَّ» است و آن پنج قسم است:

موصوله، شرطیه، استفهامیه، وصفیه و حالیه.

از این میان «أَيَّ» موصوله نمی تواند به نکره اضافه شود و در مقابل نیز «أَيَّ» وصفیه و حالیه نیز قابلیت اضافه شدن به معرفه را ندارند.

◀ اما این که چرا «أَيَّ» موصوله نمی تواند اضافه به نکره شود باید گفت:

«أَيَّ» موصوله به معنای «الذی» می باشد که معرفه است و همان طور که می دانید اضافه معرفه به نکره صحیح نیست، زیرا اضافه برای تخصیص یا توضیح می آید و بدیهی است که آن چیزی، می تواند توضیح یا تخصیص دهد که به لحاظ اعرافیت مساوی با مضاف یا بالاتر از آن باشد و نکره نه مساوی با معرفه است و نه اعراف از آن.^۱

◀ اما در مورد این که چرا «أَيَّ» وصفیه و حالیه نمی توانند به معرفه اضافه شوند باید گفت:

مراد از «أَيَّ» وصفیه، آن است که دلالت بر کمال موصوف^۲ خود کند و این دلالت زمانی حاصل می شود که موصوف نکره باشد؛ لذا مضاف الیه آن باید نکره باشد تا صفت با موصوف مطابقت کند، بر خلاف «أَيَّ» مضاف به معرفه که به معنای «بعض» است و دالّ بر کمال نیست. مانند «مررتُ بِفَارِسٍ أَيْ فَارِسٍ» (عبور کردم به سوارکاری که در اسب سواری کامل بود).^۳

◀ در مورد «أَيَّ» حالیه نیز باید دانست:

«أَيَّ» حالیه، آنی است که دلالت بر کمال ذوالحال خود کند و غالبا ذوالحال معرفه است و می دانیم که اصل در حال نکره بودن است، پس مضاف الیه آن نیز باید نکره باشد تا حال بر نکره

۱- التصريح على التوضيح، ج ۳ ص ۴۴

۲- ذوق بلاغی نیز می گوید که نکره و ناشناس بودن یک چیز در احساس بزرگی داشتن نسبت به آن چیز نقش دارد بخلاف آنچه که شناخته شود که بعد از شناخته شدن عادی می شود و احساس تعظیم نسبت به آن کم رنگ می گردد.

۳- حاشية الصبّان، ج ۲ ص ۲۶۱

بودنش باقی بماند بر خلاف «أیّ» مضاف به معرفه که در این صورت دلالت بر کمال ذوالحال خود نخواهد کرد. مانند «مررتُ بزیدِ أیّ فارسٍ»^۱.

◀ علاوه بر این، لقانی در دلیل اضافه «أیّ» وصفیه و حالیه به نکره می‌گوید:

«وصف و حال مشتقند، و مشتق، کلی است و مضاف به معرفه، جزئی است؛ از این رو اگر «أیّ» وصفیه و حالیه اضافه به معرفه شوند در کلام تناقض پیش خواهد آمد»^۲.

۱- همان

۲- حاشیه حمصی، ج ۲ ص ۴۴